

The Foundations for Organizing the Cyber Space of the Islamic Republic of Iran in Jurisprudential Rules

✉ **Seyyed Mohammad Hadi Hasani**  / PhD Candidate, Imam Khomeini Educational and Research Institute sh.hasani@chmail.ir

Mohammad Reza Bagherzadeh Avval / Assistant Professor, Department of Law, Imam Khomeini Educational and Research Institute bagherzade1@iki.ac.ir

Seyyed Alireza Tabatabaei / Assistant Professor, Department of Public and International Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services alirezatabatabaei@ujsas.ac.ir

Received: 2025/05/06 - **Accepted:** 2025/10/11

Abstract



Cyber space, as one of the most important new social, cultural, and economic ecosystems in the contemporary world, necessitates organization based on Islamic values within the legal system of the Islamic Republic of Iran. Aiming to elucidate the jurisprudential foundations for organizing cyber space, the present article examines jurisprudential rules such as "No Harm" (La Darar), "Preservation of the System" (Hefz-e Nezam), "Denial of Dominion" (Nafi-ye Sabil), "Enjoining Good and Forbidding Evil" (Amr-e be Ma'ruf va Nahi az Munkar), and "Prohibition of Misguidance" (Hormat-e Ezlal), analyzing their application to the challenges and opportunities of this ecosystem. This research, using a descriptive-analytical method and citing original sources of Imami jurisprudence and the Constitution of the Islamic Republic of Iran, demonstrates that these jurisprudential rules possess practical applicability for managing cyber space. In conclusion, strategies such as strengthening indigenous infrastructure, filtering harmful content, and legislating based on religious foundations are proposed. This article emphasizes the necessity of adopting a strategic and comprehensive approach in dealing with cyber space, one that, on one hand, preserves religious values and, on the other hand, provides the groundwork for exploiting its opportunities.

Keywords: foundations, cyber space, No Harm, Preservation of the System, Denial of Dominion, Enjoining Good and Forbidding Evil, Prohibition of Misguidance

نوع مقاله: پژوهشی

مبانی ساماندهی فضای سایبر جمهوری اسلامی ایران در قواعد فقهی

sh.hasani@chmail.ir

سیدمحمدهادی حسینی  دانشجوی دکتری مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 

bagherzade1@iki.ac.ir

محمد رضا باقرزاده اول / استادیار گروه حقوق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 

alirezatabatabaei@ujss.ac.ir

سیدعلیرضا طباطبایی / استادیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹

چکیده

فضای سایبر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زیست‌بوم‌های نوین اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جهان معاصر، ضرورت ساماندهی بر اساس ارزش‌های اسلامی را در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌کند. مقاله حاضر با هدف تبیین مبانی فقهی ساماندهی فضای سایبر، قواعد فقهی همچون «لاضرر»، «حفظ نظام»، «نفی سبیل»، «امر به معروف و نهی از منکر» و «حرمت اضرار» را مورد بررسی قرار داده و تطبیق آنها را بر چالش‌ها و فرصت‌های این زیست‌بوم تحلیل می‌کند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن استناد به منابع اصیل فقه امامیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشان می‌دهد که قاعده‌های فقهی قابلیت کاربرد عملی برای مدیریت فضای سایبر را دارا هستند. در پایان، راهکارهایی نظیر تقویت زیرساخت‌های بومی، پالایش محتواهای مخرب و قانون‌گذاری مبتنی بر مبانی دینی پیشنهاد شده است. این مقاله بر لزوم اتخاذ رویکردی راهبردی و جامع‌نگر در مواجهه با فضای سایبر تأکید دارد که از یک‌سو ارزش‌های دینی را حفظ کند و از سوی دیگر، زمینه بهره‌گیری از فرصت‌های آن را فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: مبانی، فضای سایبر، لاضرر، حفظ نظام، نفی سبیل، امر به معروف و نهی از منکر، حرمت اضرار.

مقدمه

فضای سایبر، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای فناوری معاصر، بستری برای تعاملات انسانی فراتر از مرزهای جغرافیایی فراهم کرده و بر جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زندگی تأثیر عمیقی گذاشته است. در جمهوری اسلامی ایران که نظام حقوقی و اجتماعی آن بر پایه اصول اسلامی بنا شده، ساماندهی فضای سایبر بر اساس مبانی فقهی، نه تنها یک ضرورت فناورانه، بلکه یک تکلیف دینی، قانونی و فرهنگی است. این پژوهش با هدف تبیین چگونگی ارائه چارچوبی نظری مبتنی بر قواعد فقهی برای مدیریت فضای سایبر، به بررسی قواعد فقهی مرتبط با وظایف دولت اسلامی می‌پردازد تا سیاست‌گذاری مؤثری همسو با ارزش‌های اسلامی و اهداف نظام انجام شود.

گسترش سریع فضای سایبر فرصت‌هایی بی‌سابقه برای ارتباطات، آموزش و توسعه اقتصادی ایجاد کرده، اما چالش‌هایی نظیر انتشار محتوای غیراخلاقی، جرایم سایبری و سلطه فرهنگی خارجی را نیز به همراه داشته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصل ۲ و ۳) بر ترویج فرهنگ اسلامی و پیشگیری از تبلیغات ضداسلامی تأکید دارد که این امر لزوم رویکردی راهبردی و فرصت‌محور برای مدیریت فضای سایبر را برجسته می‌کند. این رویکرد باید فرصت‌ها را به حداکثر رسانده و تهدیدات را به حداقل برساند، و با تقویت نوآوری و توسعه خدمات بومی، ارزش‌های ایرانی - اسلامی را منعکس کند (حاجی ملامیرزایی، ۱۳۸۳، ص ۴۶-۴۸).

تحقیقات پیشین عمدتاً به جنبه‌های خاصی از مدیریت فضای سایبر، مانند مسائل حریم خصوصی یا کاربرد فقه در فناوری‌های خاص مانند کیف پول الکترونیک پرداخته‌اند؛ همچنین مطالعاتی به تاریخچه مدیریت فضای سایبر در ایران و حقوق و وظایف اطلاعاتی از منظر قرآن و قانون ایران اشاره کرده‌اند. با این حال، توجه کمتری در به‌کارگیری قواعد فقهی برای ساماندهی فضای سایبر صورت گرفته است.

این پژوهش با این هدف، به بررسی کاربرد قواعد کلیدی فقهی در ساماندهی فضای سایبر در چارچوب نظام حقوقی داخلی ایران می‌پردازد. سؤال اصلی پژوهش این است که چگونه قواعد فقهی می‌توانند در ساماندهی فضای سایبر در جمهوری اسلامی ایران به‌کار گرفته شوند؟ سؤالات فرعی شامل بررسی کاربرد قواعد لاضرر، حفظ نظام، نفی سبیل، امر به معروف و نهی از منکر، و حرمت اضلال در این حوزه است. فرضیه پژوهش این است که این قواعد فقهی، با تفسیر و کاربرد مناسب، می‌توانند چارچوبی جهت ساماندهی فضای سایبر ارائه دهند که هم از نظر حقوقی معتبر و هم با اصول دینی سازگار باشد.

این مطالعه از روش توصیفی - تحلیلی بهره می‌برد و با استفاده از منابع اصلی فقه امامیه و ادبیات مرتبط با مدیریت فضای سایبر، به تحلیل موضوع می‌پردازد. با تلفیق اندیشه حقوقی اسلامی با چالش‌های معاصر دیجیتال، این پژوهش دیدگاهی نوین ارائه می‌دهد که در تحقیقات پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

نوآوری این پژوهش در کاربرد سیستماتیک قواعد فقهی به حوزه‌ای نوظهور و پیچیده مانند فضای سایبر است. برخلاف مطالعات پیشین که ممکن است بر جنبه‌های خاص یا رویکردهای سکولار تمرکز داشته باشند. این پژوهش چارچوبی یکپارچه و مبتنی بر فقه اسلامی ارائه می‌دهد که می‌تواند سیاست‌گذاری و گفتمان عمومی در زمینه ساماندهی فضای سایبر در ایران را غنا بخشد و در مسیر تعریف نظام توحیدی سایبری نقش ایفا کند در ادامه، برخی از قواعد فقهی کلیدی مطرح و نقش آنها در ساماندهی فضای سایبر مبتنی بر ایجاد محیطی امن، اخلاقی و همخوان با فرهنگ اسلامی در زیست‌بوم دیجیتال ایران تبیین می‌شود.

مفهوم فضای سایبر (مجازی)

فضای سایبر محیطی دیجیتال است که از طریق فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات شکل گرفته و تعامل میان انسان، سامانه‌های رایانه‌ای و ماشین‌ها را ممکن می‌سازد (Clarke, 2010, p.45). این فضا از سه لایه فیزیکی شامل زیرساخت‌هایی چون کابل‌ها و تجهیزات سخت‌افزاری، منطقی متشکل از نرم‌افزارها و پروتکل‌ها، و لایه اجتماعی مشتمل بر تعاملات انسانی، فرهنگی و اقتصادی تشکیل شده است (Singer & Friedman, 2014, p.12). ویژگی‌هایی نظیر فقدان مرزهای جغرافیایی، ناشناسی و سرعت بالای داده‌ها، فضای سایبر را از دیگر محیط‌ها متمایز می‌سازد (Kuehl, 2009, p.29). همچنین در زبان فارسی، اصطلاح «فضای مجازی» برای اشاره به این محیط به کار می‌رود که از مفاهیم مرتبط با دسترسی آزاد و فناوری رایانه‌ای برگرفته شده است (اسماعیلی و نصراللهی، ۱۳۹۵، ص ۵۸؛ کهنوند، ۱۳۹۵، ص ۲۹).

این فضا نه تنها بستر ارتباطات گسترده در سطوح فردی و جمعی را فراهم می‌سازد، بلکه امکان مشارکت در حوزه‌هایی نظیر سیاست، دین، علم و هنر را نیز مهیا می‌کند (Bell, 2004, p.150)، به نقل از: شاه قاسمی، ۱۳۸۵). علی‌رغم نام‌گذاری «مجازی»، آثار آن در زندگی انسانی واقعی و عینی است؛ چنان‌که رهبر معظم انقلاب بیان داشته‌اند: «فضایی است که دانش می‌آورد، بینش می‌آورد، فکر را عوض می‌کند، اندیشه می‌دهد، مغز را کنترل می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶)، و آیت‌الله جوادی آملی نیز بر این واقعیت تأکید کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۴). در نتیجه، فضای سایبر را می‌توان محیطی الکترونیکی و واقعی دانست که ارتباطات انسانی را بدون محدودیت جغرافیایی به صورت مستقیم و پویا ممکن می‌سازد (حسین‌نژاد، ۱۳۹۸، ص ۵۵).

مفهوم قواعد فقهی

واژه «قاعده» از ریشه «قعد» به معنای اساس و بنیان گرفته شده است و به چیزی اشاره دارد که بر آن تکیه می‌شود (حسینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۳۸۵). «قاعده» در لغت به معنای رأس و اصل، و «قواعد» به معنای پایه و اساس است (ابن منظور، ۱۹۹۴، ج ۱، ص ۱۴۲). معنای اصطلاحی قاعده ارتباط نزدیکی با معنای لغوی آن دارد؛

به طوری که قاعده در اصطلاح به امری کلی گفته می‌شود که هنگام شناخت احکام جزئیات، بر تمام مصادیق آن انطباق دارد (تهانوی، ۱۹۹۶، ص ۱۱۷۶-۱۱۷۷).

در میان فقها، اتفاق نظر کاملی درباره تعریف قواعد فقهی وجود ندارد. هریک از تعاریف موجود بر یکی از جنبه‌های تمایز قواعد فقهی از سایر قواعد تأکید می‌کند. با این حال، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که قاعده فقهی، بر اساس بررسی کلام بزرگان، حکمی فقهی و عام است که به باب خاصی از فقه محدود نمی‌شود، بلکه یا بخشی از ابواب فقه را شامل می‌شود و یا بسیاری از مسائل فقهی پراکنده در کتب مختلف فقهی را دربر می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، ص ۱۴). در جهت کاربردی‌سازی قواعد فقهی در عرصه ساماندهی فضای مجازی، حکومت اسلامی موظف است با بهره‌گیری از ظرفیت‌های این قواعد به صورت فعال (نه منفعل) و عملیاتی، بر اساس مبانی اصیل دینی به نحو الزام‌آور نقش‌آفرینی کند

۱. قواعد فقهی و ساماندهی فضای سایبر

۱-۱. قاعده لاضرر و ساماندهی فضای سایبر

قاعده لاضرر برگرفته از روایت مشهور «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» می‌باشد (کلینی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۹۴) که هم شیعه و هم اهل سنت در مورد این قاعده فقهی اتفاق نظر دارند (ندوی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۵۰). هرگونه از احکام اسلام (چه وضعی و چه تکلیفی) بر عدم وجود ضرر اعم از عمومی و نوعی مبتنی است. اصل لزوم عدم زیان عموم مردم در احکام اولیه اسلام و نیز در روابط اجتماعی مردم مد نظر قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که هر عمل زیان‌باری مورد امضای شارع نخواهد بود (چه ادله لفظی را دال بر شمول و عمومیت این قاعده بدانیم و چه اینکه شمول و عمومیت قاعده لاضرر را با لحاظ دلایل غیرلفظی مانند بنای عقلا بدانیم). به علاوه با لحاظ دلایل غیرلفظی عدم مشروعیت معنای حدیث، هم مرحله قانون‌گذاری و هم مرحله اجرای قانون را شامل خواهد شد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ص ۱۵۰-۱۵۱). قاعده لاضرر در زمینه‌های متفاوتی از فقه حکومتی نظیر عبادات، حوزه سیاست، اقتصاد و سایر عرصه‌ها جاری است (شریعتی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۶ و ۱۳۸). نظام حقوقی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این قاعده را پذیرفته و بیان داشته است: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۴۰). در قانون مدنی مواد ۳۳، ۱۷۴ و ۵۳۰ و نیز تبصره ۲ ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی و نیز قانون تعزیرات حکومتی از جمله دیگر قوانینی هستند که قاعده لاضرر را مورد تأکید قرار داده‌اند.

هرچند در اینکه ضرر مد نظر قاعده لاضرر باید به صورت عمومی و نوعی لحاظ شود و نیز در اصل امکان وقوع ضرر برای مردم فضای حقیقی و سایبر مشترک هستند، اما توجه به این نکته نیز ضروری است که ضررها در فضای حقیقی و فیزیکی با فضای مجازی و سایبر دارای تفاوت‌های اساسی و ساختاری با یکدیگر می‌باشند که در اثرات و پیامدها بروز می‌کند.

با انتقال از محیط فیزیکی به محیط مجازی، ظرفیت‌های تازه‌ای برای ضررهای اجتماعی، فرهنگی و دینی ایجاد می‌شود که می‌توان آنها را این‌گونه بیان کرد: تغییر آسیب از آنالوگ به دیجیتال، دگرگونی آسیب مبتنی بر زمان فیزیکی به ضرر مبتنی به زمان مجازی، تفاوت ضرر و زیان محلی به ضرر و زیان جهانی - محلی، تغییر ضرر کُند به ضرر سریع، دگرگونی ضرر راکد به آسیب سیال، دگرگونی آسیب منفرد (منزوی) به ضرر متکثر (شبکه‌ای)، تفاوت ضرر تک‌مکانی به ضرر همه‌جا پدیدار، دگرگونی آسیب‌دیدگی ارادی (خواسته) به غیرارادی (ناخواسته)، دیجیتالی شدن، تغییر و تبدیل سریع، تراکم گسترده و انضمامی، بسیاری از ضررها را فراهم می‌آورد. ویژگی‌های امر دیجیتالی، دست‌کاری‌پذیر، شبکه‌ای شدن، قابل فشرده و متراکم شدن و کوچک شدن است. بر این اساس، ضررها و آسیب‌ها در فضای مجازی دیجیتال هستند که گستره آنها نامحدود است (عاملی، ۱۳۹۰، ص ۳۵-۴۹). آسیب‌های مجازی فراگیرند، یعنی دامنه شمول بسیار گسترده‌ای دارند. ضرر فضای فیزیکی، آسیبی است که فقط معدود افرادی را دربر می‌گیرد، اما دامنه درگیری ضرر و زیان در فضای سایبر بسیار گسترده است.

بنابر عدم مشروعیت ضرر در این قاعده که هر دو مرحله قانون‌گذاری و اجرای قوانین را دربر می‌گیرد (و نیز بر اساس مبنای اشتراک تکالیف میان اشخاص حقیقی و حقوقی و متوجه شدن تکلیف لاضرر به اشخاص حقوقی همچون اشخاص حقیقی)، دولت اسلامی موظف است در مقابله با انواع ضررها و آسیب‌هایی که از ناحیه نابسامانی فضای سایبر ایجاد می‌گردد، نهایت تلاش خود را انجام دهد (طباطبایی و لیالی، ۱۳۹۷، ص ۹۱).

بنابراین با توجه به خصیصه فضای سایبر موجود که گمنامی و سیال بودن هویت کاربران است، و با لحاظ لزوم ثبات، ایستایی و ممتاز بودن هویت هر شخص از دیگران در همه جوامع و نظام‌های قانونی در طول تاریخ حیات بشر، اما مشاهده می‌شود که در فضای مجازی، شخص می‌تواند سن، جنس، طبقه و دیگر اوصاف اجتماعی و فرهنگی‌اش را به صورت نامعتبر و متغیر تعریف کند که این امر ضرر و آسیب‌های فراوانی نسبت به منافع خصوصی افراد یا منافع عمومی جامعه ایجاد می‌کند (طباطبایی و لیالی، ۱۳۹۷، ص ۹۳).

همچنین عامل اصلی بسیاری از جرایم و آسیب‌ها در فضای سایبر گمنامی و عدم لزوم به‌کارگیری هویت معتبر افراد در فضای سایبر است؛ به‌گونه‌ای که مجرمان و متخلفان با این پیش‌فرض که هویت معتبر و اصلی ایشان پنهان و مخفی است، مرتکب جرایم می‌شوند (امیریان فارسانی، ۱۳۹۹، ص ۲۰۸)؛ بدین معنی که کمتر کسی با هویت اصلی خود دست به عمل مجرمانه می‌زند و غالباً جرایم در پوشش هویت نامعتبر و احساس رهایی از قیدهای اجتماعی ناشی از هویت اصلی در فضای فیزیکی به نسبت آن در فضای سایبر انجام می‌گیرد (عاملی، ۱۳۹۰، ص ۲۸۳).

هرچند جنبه‌های منفی برای لزوم هویت معتبر کاربران در فضای سایبر نظیر نقض حریم خصوصی و حق گمنامی (که به‌عنوان دستاورد بزرگ لیبرال دموکراسی در آرمان شهر آنها، یعنی فضای سایبر شناخته می‌شود)،

ترس از آزادی بیان (مشمول پیگرد قانونی قرار گرفتن در اظهارنظر در مورد مسائل حساس) و سوءاستفاده از اطلاعات هویتی کاربران (Akdeniz, 2002, p.180) بیان شده است، اما وجود جنبه‌های مثبتی از جمله کاهش ضرر و آسیب اجتماعی ناشی از جرایم سایبری (از جمله کلاهبرداری، فریب، سوءاستفاده، سرقت و جعل هویت)، بازدارندگی ناشی از مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در مقابل قانون و نیز حمایت از حقوق قربانیان (جهت دریافت خسارت) با استقرار نظام هویت معتبر جهت ساماندهی فضای سایبر سبب می‌شود تا به دنبال تعادلی میان این موارد منفی و مثبت باشیم.

راه‌حل ممکن است این باشد که مکانیزم‌هایی برای اجرایی‌سازی ساماندهی فضای سایبر از طریق هویت‌های معتبر کاربران وجود داشته باشد که تنها در شرایط خاص و با حکم قضایی قابل دسترسی باشد. این‌گونه می‌توان هم حمایت لازم را از جامعه فراهم آورد و هم حقوق فردی کاربران را حفظ کرد. لذا هرگونه تدبیر حقوقی و سیاستی باید با توجه به قواعدی مانند لاضرر و با در نظر گرفتن اصل تقدم منافع عمومی بر منافع خصوصی مشتمل بر حفاظت از حقوق عمومی در کنار حقوق فردی جهت ساماندهی فضای مجازی اعمال شود.

۱-۲. قاعده حفظ نظام و ساماندهی فضای سایبر

نظام در لغت به معنای نظم دادن، آراستن، رویه، تجمیع و نخی است که اشیا را با آن به نظم می‌کشند (عمید، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۹۰۹؛ ابن‌منظور، ۱۹۹۴، ذیل واژه نظم). در مفهوم اصطلاحی، نظام دو مفهوم عام و خاص دارد. در مفهوم عام، به معنای سامان داشتن زندگی مردم و استقرار نظم و عدالت در جامعه (نظام کلان اجتماعی) است. در مفهوم خاص، شامل نظام‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است که در رابطه‌ای طولی با نظام کلان، حفظ یا اختلال هر یک، حفظ یا اختلال نظام کلان را در پی دارد. گاهی نیز نظام به معنای کیان کشور، حکومت، مرکزیت جامعه اسلامی، و نظام اسلام به کار می‌رود (ملک افضلی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۱).

اگرچه آیه‌ای صریح و مستقیم در قرآن به قاعده حفظ نظام نپرداخته، اما با تأمل در آیاتی که مؤمنان را از تفرقه برحذر داشته و به اتحاد دعوت می‌کنند، می‌توان فحوای این قاعده را دریافت، از جمله این آیات: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳)، «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ...» (آل عمران: ۱۰۵)؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...» (آل عمران: ۲۰۰) و آیه «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ...» (توبه: ۱۰۷). روایات فراوانی نیز در منابع موجود است که برخی به ضرورت وجود حکومت اشاره دارند، نظیر: «برای مردم گریزی از وجود حاکم نیست» (نهج البلاغه، خطبه ۴، ص ۸۲)، و برخی روایات، امامت را نظام‌دهنده جامعه معرفی می‌کنند؛ چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «خدای متعال امامت را مایه نظام امت قرار داد» (نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲، ص ۵۱۲). روایاتی نیز دلیل سکوت ایشان را

جلوگیری از تفرقه و حفظ نظام امت بیان می‌کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۲، ص ۶۱)، و برخی روایات دیگر نیز مرز برخورد با مخالفان را برهم‌زدن نظام جامعه دانسته‌اند (نهج البلاغه، ص ۲۴۴).

با دقت در استنادات فقها به این قاعده، سه احتمال متصور است (فرهادی‌نیا، ۱۳۹۶): احتمال اول اینکه مقصود حفظ نظام اجتماعی است؛ یعنی باید از هر چیزی که موجب اختلال زندگی عمومی مردم شود، جلوگیری کرد. این تعریف، فارغ از شریعت حاکم یا نوع حکومت (مشروع یا غیرمشروع)، بر عدم اختلال در زندگی مردم تأکید دارد. این مفهوم در نوشته‌های فقها مشاهده می‌شود، مانند واجب کفایی بودن مشاغل ضروری به دلیل نقششان در حفظ نظام اجتماعی (نائینی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۲)، یا رفع احتیاط‌های تام نزد فقهای چون شیخ انصاری و آخوند خراسانی که معتقدند در شرایط انسداد باب علم، احتیاط تام به دلیل احتمال اختلال نظام واجب نیست (شیخ انصاری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۰۶؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۱۳)؛

احتمال دوم، مقصود از نظام، حفظ کیان اسلام (بیضة الاسلام) است که شامل حفاظت از اصول دین، اتحاد مسلمانان و دفاع از مرزهای اسلامی می‌شود. فقها در این زمینه به وجوب جهاد در برابر تهدیدات اساسی علیه اسلام اشاره کرده‌اند و معتقدند اگر دفاع از بیضة اسلام متوقف بر جهاد باشد، جهاد حتی بدون اذن حاکم مشروع واجب است (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۴). برخی فقها نیز در دوران غیبت، حفظ اساس دین و منافع عمومی را دلیلی بر جواز استفاده و تقسیم انفال و غنائم می‌دانند (کاشف‌الغطاء، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۱۲)؛ همچنین برخی اقامه حدود الهی را برای حفظ کیان اسلام ضروری دانسته‌اند تا از سوءاستفاده و بی‌احترامی علیه اساس اسلام جلوگیری شود (شفتی‌گیلانی، ۱۴۲۷ق، ص ۵)؛

احتمال سوم، منظور از حفظ نظام، حفظ حکومت مشروع اسلامی است؛ یعنی حکومتی که مورد تأیید شارع باشد (مانند حکومت ائمه علیهم‌السلام یا فقهای جامع‌الشرایط). این کاربرد با بسط ید فقها در اعصار اخیر، خصوصاً پس از مشروطه و انقلاب اسلامی، رایج‌تر شده است. امام خمینی رحمته‌الله می‌فرمایند: «همه کسانی که در این کشور به خدمت مشغول هستند، باید توجه داشته باشند که آبروی اسلام که مظهر بزرگش جمهوری اسلامی است... را باید حفظ کنند» (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۶، ص ۴۱۴).

با در نظر گرفتن این احتمالات (حرمت اختلال نظام معیشتی، وجوب حفظ کیان اسلام و وجوب حفظ حکومت اسلامی)، قدر متیقن در زمان تشکیل حکومت توسط فقیه جامع‌الشرایط، حفظ نظام حکومت اسلامی است؛ چراکه با تزلزل آن، هر سه احتمال نقض می‌شود. لذا قدر متیقن قاعده، حفظ حکومت اسلامی فقیه جامع‌الشرایط است؛ چنان‌که رهبر کبیر انقلاب اسلامی شکست جمهوری اسلامی را به نابودی تمام اسلام منجر می‌دانند (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲۲، ص ۲۲۱).

قاعده حفظ نظام در صدور احکام شرعی ثانوی و حکومتی، معاهدات بین‌الملل، حفظ اقتدار داخلی و استقلال

خارجی، ایجاد محدودیت در حقوق و آزادی‌های مشروع، و دخالت دولت در حریم خصوصی کاربرد دارد (طباطبایی، ۱۴۰۲، ص ۱۱۰-۱۱۶). این قاعده در قانون اساسی جمهوری اسلامی، از جمله در اصول دوم، سوم (بند یازدهم)، نهم، ۴۳، ۱۵۲ و ۱۵۳ قابل برداشت است.

ویژگی‌های فضای مجازی (دیجیتال، فرازمانی، فرامکانی، فراگیر، جهانی، سرعت بالا، سیال و متکثر بودن)، آسیب‌های آن را نیز دارای همین ویژگی‌ها کرده است. برخی به غلط این فضا را مجاز و خالی از حقیقت می‌پندارند (درحالی‌که هرچا فضای فکر و اندیشه و انتقال علم است، فضای حقیقی است) (جوادی آملی، ۱۳۹۳) و با پوشش گمنامی و هویت سیال، به هنجارشکنی و تولید محتوا علیه نظام اسلامی جسارت می‌یابند؛ درحالی‌که در فضای فیزیکی با پذیرش مسئولیت، ساختارشکنی کمتری می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۰۲، ص ۱۱۹).

البته گمنامی در دموکراسی‌های غربی به‌عنوان حقی ویژه در حقوق بشر و دستاوردی در فضای سایبر برای تحقق جامعه آزاد بر اساس ارزش‌های غربی مطرح می‌شود (Akdeniz, 2002). ایشان معتقدند حق گمنامی سپری در برابر ظلم، سانسور یا تبعیض و جزء حیاتی آزادی بیان است و برای آن امتیازاتی نظیر حفاظت از محرمانگی، روزنامه‌نگاری و انتخابات آزاد با رأی مخفی، حق نویسندگان برای ایجاد آثار با نام مستعار یا ناشناس و مخفیانه را برمی‌شمردند. باین‌حال، آن را برای مسئولیت‌پذیری در قبال محتوای غیرقانونی یا مضر، نسبی می‌دانند. همچنین برای حمایت از مالکیت معنوی یا در ارتباطات تجاری، نیاز به شناسایی هویت، دامنه حق گمنامی را کاهش می‌دهد؛ رویکردی که در ماده ۷ اعلامیه شورای اروپا در مورد آزادی ارتباطات در اینترنت (۲۸ مه ۲۰۰۳) منعکس شده است. ایجاد توازن عادلانه میان حق گمنامی کاربران و ردیابی مجرمان، چالشی اجتناب‌ناپذیر است که بدون رعایت حقوق بشر و ضمانت‌هایی در مقابل قدرت دولت‌ها حاصل نمی‌شود (Voorhoof, 2010).

در نظام حقوقی ایران، به گمنامی نگاه ارزشی نمی‌شود و نگرانی از تعدی دولت به حریم خصوصی با سازوکارهای دیگری مرتفع می‌شود. در قانون اساسی، به تبع احکام شرع، در اصول ۲۲، ۲۳ و ۲۵، علاوه بر مصونیت جان، مال و مسکن اشخاص، تفتیش عقاید ممنوع بوده و بازرسی نامه‌ها، ضبط مکالمات تلفنی و هرگونه تجسس، جز به حکم قانون، ممنوع است. امام خمینی علیه السلام با در نظر گرفتن این مباحث فقهی، طی «فرمان ۸ ماده‌ای» که حکمی حکومتی است، به دستگاه‌های امنیتی و قضایی تأکید کردند که حق تجسس و تعدی به حریم خصوصی مردم را ندارند. ایشان در بند ۷ این فرمان، استثنای این حکم را وجوب حفظ نظام جمهوری اسلامی بر حرمت تجسس دانسته و بیان می‌دارند که این ممنوعیت شامل مواردی که به توطئه‌ها و گروهک‌های مخالف اسلام در خانه‌های تیمی برای براندازی، ترور و فساد فی الارض مربوط است، نمی‌شود (خمینی، ۱۳۶۸، ص ۱۴۰).

تجلی قاعده حفظ نظام در حقوق ایران، اصل تقدم منافع عمومی بر خصوصی است؛ زیرا پیگیری منافع

عمومی متوقف بر حفظ نظام است. این اصل بر نقش دولت در ارائه خدمات عمومی تأکید دارد و به دولت امتیازات ویژه‌ای می‌دهد که برای انجام وظایفش ضروری است. بر اساس این اصل، چون خدمات عمومی به کل جامعه تعلق دارد، قانون‌گذار برای حفظ منافع عمومی در برابر منافع خصوصی، حق تقدم را برای دولت قائل شده تا بتواند اهداف عمومی را به بهترین شکل محقق کند؛ بنابراین در تعارض منافع عمومی و خصوصی، اولویت با منافع عمومی است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۵، ص ۲۳۹).

هرچند اصل تقدم مستقیماً در قانون اساسی ذکر نشده، اما مفاهیمی چون حقوق عمومی (اصل ۲۴)، مصالح عمومی (اصل ۲۸) و منافع عمومی (اصل ۴۰)، نشان‌دهنده اولویت خدمات عمومی هستند. مهم‌ترین اصل مرتبط، اصل ۴۰ است: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیلهٔ اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد». اصل ۲۸ نیز با تأکید بر عدم مخالفت شغل با «مصالح عمومی»، بر هماهنگی منافع فردی و اجتماعی تأکید دارد (رضایی‌زاده و کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۴۰-۴۱).

احکامی چون لزوم مراعات مصلحت عمومی، محدود شدن حقوق خصوصی، اجرای حدود و مجازات، وجوب جهاد و رابطه، تشکیل حکومت، جواز اخذ اجرت بر واجبات دارای جنبهٔ نظامی و نیز مشارکت در ادارهٔ امور کشور، از مصادیق قاعدهٔ حفظ نظام هستند (طباطبایی، ۱۴۰۲، ص ۱۱۰). این قاعده ایجاب می‌کند که حاکمیت از جهت درونی خودمختار و از جهت بیرونی و اقتدار خارجی مستقل باشد؛ امری که باید با ساماندهی فضای سایبر محقق شود. اهمیت این قاعده به قدری است که می‌تواند حقوق و آزادی‌های مشروع را محدود کرده و مجوز دخالت قانونی دولت در حریم خصوصی را ایجاد نماید.

ویژگی‌های گمنامی، فرازمانی و فرامکانی بودن فضای سایبر باعث گسترش جرایم رایانه‌ای شده است؛ از جمله جرایم علیه اشخاص (نشر اکاذیب، افشای سر، توهین، افتراء، قذف)، جرایم علیه اموال و مالکیت (کلاهبرداری رایانه‌ای، خیانت در امانت یارانه‌ای، سرقت رایانه‌ای)، جرایم علیه اخلاق عمومی (پورنوگرافی، توریسم سکسی)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی (نظیر جاسوسی رایانه‌ای، خیانت به کشور، براندازی نرم و نافرمانی مدنی، جعل رایانه‌ای، اختلاس، رشوه و پول‌شویی سایبری)، جرایم علیه مذهب (نظیر سب النبی، نشر مطالب الحادی، ارتداد، ایجاد شبهات مغرضانه، توهین به مقدسات) که در این محیط اشکال جدیدی می‌یابند (طباطبایی، ۱۴۰۲، ص ۱۲۱) بنابراین همان‌طور که در فضای فیزیکی، قاعدهٔ حفظ نظام اقتضای اجرای قوانین و محدودیت‌ها را برای جلوگیری از آسیب‌ها دارد، در فضای مجازی نیز این قاعده اجرای قوانین و اعمال مجازات‌ها را برای حفظ نظام ایجاب می‌کند. عدم ساماندهی فضای سایبر، خصوصاً در زمینهٔ گمنامی کاربران، نه‌تنها عرصه را برای سوءاستفاده‌کنندگان جهت ضربه به منافع عمومی و خصوصی فراهم می‌کند، بلکه با توجه به گستردگی این

فضا و حضور دشمنان، نظام معیشتی، نظام اسلام و نظام حکومت اسلامی را با تهدیدهای غیرقابل جبران روبه‌رو خواهد ساخت؛ از این‌رو قاعده حفظ نظام، لزوم ساماندهی فضای سایبر را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۳. قاعده نفی سبیل و ساماندهی فضای سایبر

قاعده نفی سبیل یکی از قواعد مهم فقهی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است که ریشه در قرآن کریم دارد. این قاعده، با تأکید بر نفی هرگونه تسلط کافران بر مسلمانان، از اصول بنیادین برای سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف، از جمله فضای سایبری به‌شمار می‌رود (حسین‌نژاد و منیری حمزه‌کلایی، ۱۳۹۶، ص ۳۳).

این قاعده مهم که بر اساس آیات و احادیث مستفیض استوار است، به لحاظ جایگاه فقهی مورد اجماع فقها قرار گرفته و در بسیاری از موارد به‌عنوان مبنای استخراج احکام فرعی به‌کار رفته است. بر اساس این قاعده، هر عملی که به دشمنان دین یا غیرمسلمانان امکان سلطه و برتری بر مسلمانان را بدهد، به وضوح حرام اعلام شده است (فاضل لنگرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۴۳؛ بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۸۷-۱۹۳).

قاعده نفی سبیل یکی از اصول بنیادین در کشورهای اسلامی به‌شمار می‌رود و سابقه‌ای تاریخی نیز دارد، از جمله موارد شاخص استناد به این اصل، فتوای تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی و مخالفت امام خمینی علیه السلام با قانون کاپیتولاسیون است.

در قرآن کریم و سیره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم، بر نفی هرگونه سلطه کفار بر مسلمانان تأکید شده است. این سلطه شامل ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و دیگر جنبه‌ها بوده و به‌صراحت ممنوع شده است (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۵۷). این قاعده نه‌تنها در روابط فردی مسلمانان با کفار، بلکه در روابط اجتماعی نیز حاکم است و تخطی از آن غیرقابل پذیرش است. به‌عنوان نمونه، آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) به‌عنوان آیه نفی سبیل بر همین مفهوم تأکید دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۱۷۵). فقها بر اساس دلایل صریحی مانند آیه نفی سبیل و همچنین حدیث نبوی «الإسلام يُعْلُو ولا يُعْلَى عليه والكفار بمنزلة الموتى لا يُحِبُّون ولا يَرْتُونَ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۳۴)، این قاعده را به‌طور قطعی پذیرفته‌اند (سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۳۸-۲۴۸)؛ لذا این قاعده دارای دلایل محکم قرآنی است (توبه: ۹۱ و ۹۳؛ شوری: ۴۱ و ۴۲؛ نساء: ۱۳۹).

سبیل و سلطه به نوعی از ولایت و اختیار اشاره دارد که به دارنده آن حق و مشروعیتی می‌بخشد تا نسبت به طرف مقابل برتری یافته و اعمال قدرت کند. هرگاه فرد غیرمسلمان اختیار و اقتداری سلطه‌آمیز بر یک مسلمان اعمال کند، این وضعیت مشمول قاعده نفی سبیل می‌شود. بر اساس این قاعده، در اسلام هر حکمی که موجب چنین سلطه‌ای گردد، به‌طور کامل مردود و بی‌اعتبار است (عمید زنجانی، ۱۳۹۸، ص ۲۵). تسلط در این قاعده شامل جنبه‌های مادی، معنوی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، دینی و سیاسی و به‌طور کلی هر نوع سلطه‌ای است.

به عبارت دیگر، هر نوع نفوذ و کنترل بیگانگان بر ارکان جامعه اسلامی ممنوع است (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۴۶). یکی از روش‌هایی که می‌تواند به تحقق اهداف شوم دشمنان اسلام کمک کند، استفاده از ظرفیت فضای سایبر جهت سلطه و ایجاد سبیل بر مسلمین است. فضای سایبر تحت سلطه و نفوذ دشمن که با ارزش‌های اسلامی مغایر است و سعی دارد ارزش‌های جوامع کفر را بر ما مسلط کند، (نظیر ایجاد فضای تهییج جنسی با روش‌های گوناگون و نیز مقابله با ارزش‌های نظام اسلامی نظیر پاک کردن عکس شهید حاج قاسم سلیمانی و نیز آزادی آموزش ساخت ابزار جنگ شهری خلاف خطوط قرمز برای جامعه اسلامی ایران در اینستاگرام) می‌تواند زمینه‌ساز اعمال ولایت کفار و تسلط دشمنان دین شوند و در مواردی به تحقق سلطه کفار بر مسلمانان بینجامد. این سلطه و نفوذ در فضای مجازی می‌تواند شامل همه انواع سلطه فکری، فرهنگی، سیاسی و دینی شود (حسین‌نژاد و منیری حمزه کلاهی، ۱۳۹۶، ص ۳۶-۳۹).

دشمنان همواره تلاش می‌کنند از طریق ابزارهای مختلف نفوذ خود را گسترش دهند و ساختارهای مختلف جامعه اسلامی را تحت تأثیر قرار دهند. هدف نهایی این تلاش‌ها، استحاله فرهنگی و اجتماعی جوامع اسلامی است. این نفوذ ممکن است در قالب‌های مختلف انحرافی ظاهر شود. در چنین شرایطی، ساماندهی فضای سایبر می‌تواند به عنوان راهکاری برای مقابله با این نفوذ و جلوگیری از سلطه و اجرای برنامه‌های شوم دشمن در نظر گرفته شوند. در این زمینه باید توجه داشت که مدیریت این فضاها ممکن است توسط کفار یا حتی افراد خودی انجام شود. در صورتی که این مدیریت به نفع دشمنان اسلام صورت گیرد، چنین افرادی در حکم کفار به‌شمار می‌روند؛ چراکه همکاری با دشمن و تسهیل سلطه کفار بر مسلمانان، از دیدگاه فقهی و اسلامی، ایشان را در ردیف و زمره کفار قرار می‌دهد (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۶-۴۸۷).

فضای سایبری بستر جدیدی برای تعاملات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که می‌تواند به عنوان ابزاری برای نفوذ بیگانگان به کار گرفته شود. فضای سایبری می‌تواند موجب تسلط فرهنگی و حتی سیاسی دشمنان بر جوامع اسلامی شود؛ بنابراین ساماندهی آن ضروری است. برخی از محققین در تحلیل خود، این قاعده را به عنوان یکی از اصول محوری در سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی، به‌ویژه در مواجهه با تهدیدات فضای سایبری مورد تأکید قرار داده‌اند (طباطبایی و کعبی‌نسب، ۱۳۹۷، ص ۸۴)، به‌علاوه کارکرد این قاعده در حوزه فضای سایبر، به معنای جلوگیری از دسترسی قدرت‌های خارجی به داده‌ها و زیرساخت‌های ارتباطی کشور دانسته می‌شود (طباطبایی و کعبی‌نسب، ۱۳۹۷، ص ۸۷).

هرچند فضای سایبر فرصت‌های فراوانی را پیش روی ما قرار می‌دهد، اما باید تهدیدات آن را نیز جدی گرفت؛ از جمله این تهدیدها نفوذ فرهنگی، ترویج فرهنگ بیگانه از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های دیجیتال،

جاسوسی و سرقت اطلاعات، دسترسی غیرمجاز به اطلاعات حساس کاربران و سازمان‌های دولتی، ترویج فساد اخلاقی، انتشار محتواهای مخرب اخلاقی و اجتماعی را می‌توان نام برد (طباطبایی و کعبی‌نسب، ۱۳۹۷، ص ۸۹). ساماندهی فضای سایبر بر مبنای قاعده نفی سبیل به معنای اتخاذ سیاست‌ها و قوانینی است که مانع از تسلط بیگانگان بر فضای سایبری کشور شود. برخی از این اقدامات در عرصه فضای سایبر شامل موارد نظیر پالایش محتوای مخرب (بر اساس قاعده نفی سبیل، دولت اسلامی موظف است از انتشار محتوای ضداسلامی و مخرب در فضای مجازی جلوگیری کند)، تقویت زیرساخت‌های بومی (ایجاد و تقویت شبکه‌های ملی اطلاعات و خدمات بومی نظیر سکوها و پلتفرم‌های داخلی، موتورهای جست‌وجو و خدمات کار بر پایه داخلی و جلوگیری از خروج کلان‌داده‌های کشور برای حفظ استقلال و کاهش وابستگی به سرویس‌های خارجی) و نیز قانون‌گذاری جامع در حوزه فضای سایبر (وضع قوانین ملی برای حمایت از حقوق کاربران و مقابله با تهدیدات سایبری به‌عنوان وظیفه دولت اسلامی جهت ساماندهی این زیست‌بوم) است (طباطبایی و کعبی‌نسب، ۱۳۹۷، ص ۹۰-۹۴) بنابراین قاعده نفی سبیل، به‌عنوان یکی از قواعد مهم فقهی، مبنای نظری قوی برای ساماندهی فضای سایبری در جمهوری اسلامی ایران ارائه می‌دهد. این قاعده ایجاب می‌کند که دولت اسلامی ضمن محافظت از منافع ملی و ارزش‌های اسلامی، با تهدیدات سایبری مقابله کند. اقدامات عملی نظیر پالایش محتوا، تقویت زیرساخت‌های بومی و قانون‌گذاری می‌توانند به تحقق این هدف کمک کنند. لذا قاعده نفی سبیل نه‌تنها در سطح نظری، بلکه در عرصه عملی نیز قابلیت اجرایی دارد و می‌تواند راهنمایی برای سیاست‌گذاران در مواجهه با چالش‌های فضای سایبری باشد.

۴. قاعده امر به معروف و نهی از منکر و ساماندهی فضای سایبر

قاعده امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول اساسی فقه اسلامی و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است (اصل هشتم قانون اساسی) که تأکید بر گسترش معروف و جلوگیری از منکر دارد. از این قاعده، با تأکید بر مسئولیت اجتماعی و اخلاقی مسلمانان، می‌توان فلسفه و چارچوبی برای ساماندهی و نظارت بر فضای سایبری استفاده کرد. این قاعده در قرآن کریم، سنت نبوی ﷺ و متون فقهی مورد تأکید قرار گرفته است. امر به معروف و نهی از منکر در قرآن کریم و روایات اسلامی به‌عنوان یکی از وظایف واجب مسلمانان مورد تأکید قرار گرفته است. آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران: ۱۱۰) به‌صراحت این وظیفه را بیان می‌کند، به‌علاوه در آیه «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (آل عمران: ۱۰۴) وظیفه امر به معروف و نهی از منکر برای گروهی از مؤمنین بیان شده است که به‌صورت گروهی دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهند. در زمانی که حکومت اسلامی تشکیل شده است، این گروه‌ها توسط حکومت اسلامی سازمان‌دهی می‌شوند تا معروف را در جامعه گسترش دهند و با بروز منکر در جامعه مبارزه کنند.

همچنین روایات در باب امر به معروف و نهی از منکر فراوان است. برای نمونه در روایتی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «همه کارهای خوب و جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر چیزی نیست، مگر همچون قطره‌ای که در دریایی ژرف و عمیق انداخته شود» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴).

به‌علاوه امر به معروف و نهی از منکر هم دارای ابعاد فردی است که هر مسلمان موظف است که در زندگی شخصی خود این اصل را رعایت کند، و هم دارای بعد اجتماعی است که در سطح جامعه، این قاعده به انسجام اخلاقی و دینی اجتماع کمک می‌کند؛ همچنین دارای بعد حکومتی است که در حکومت اسلامی، اجرای این اصل یکی از وظایف حاکمان است و در قانون اساسی هم به‌عنوان وظیفه همگان در اصل هشتم مورد تأکید قرار گرفته است.

در میان فقها پیرامون وجوب امر به معروف و نهی از منکر چند نظر وجود دارد: برخی معتقد به وجوب عقلی آن از باب ارشاد به حکم عقل می‌باشند (طوسی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۶-۱۴۷؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۵۶؛ خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۴). طرف‌داران وجوب عقلی این فریضه به دلایلی مانند قاعده لطف (شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۵۰۸)، مقدمه حفظ نظام (عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۶ ص ۵۳۱)، لزوم جلوگیری از معصیت (خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۴) و مصلحت عمومی (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۱۴) استناد کرده‌اند.

برخی از فقها نیز وجوب این فریضه را نه به حکم عقل، بلکه با استناد به آیات قرآن نظیر آیه ۷۱ سوره توبه و آیه ۱۱۰ سوره آل عمران و نیز روایات مختلفی مانند حدیث محمدبن عرفه (کلینی، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۱۸) و حدیث ابوسعید زهری (کلینی، بی‌تا، ج ۵، ص ۵۶-۵۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۱۷-۱۱۸) اثبات می‌کنند به لحاظ تنقیح مناط نیز که از سخنان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام (نهج البلاغه، نامه ۴۷) قابل استفاده است، مناط اصلی وجوب امر به معروف و نهی از منکر، احیای دین، اصلاح جامعه و سوق دادن مردم به سعادت و جلوگیری از تسلط افراد ناصالح بر جامعه است.

با در نظر گرفتن وجوب امر به معروف و نهی از منکر چه از باب عقل (که عقل تفاوتی میان انواع گناهان و روش‌های جلوگیری از آنها قائل نیست، بلکه ذاتاً هرگونه اقدام به اعمال زشت و مغضوب خداوند را ناپسند می‌شمارد. بنابراین با وجود منکرات و برنامه‌های مخالف شرع در فضای مجازی، عقل حکم به وجوب امر به معروف و نهی از منکر در این فضا می‌دهد) و چه حتی همچون برخی فقها وجوب این فریضه را به عقل نسبت ندهیم و وجوب آن را با استناد به اطلاعات ادله شرعی (نظیر آیات و روایات مذکور) بدانیم، می‌توان از این قاعده در ساماندهی فضای سایبر استفاده کرد و حتی اجرای آن را در فضای مجازی واجب دانست. تنقیح مناط نیز که مناط اصلی وجوب امر به معروف و نهی از منکر را از باب احیای دین، اصلاح جامعه و سوق دادن مردم به سعادت و جلوگیری از تسلط افراد ناصالح بر جامعه معرفی می‌کند، مؤید این است که این قاعده در فضای مجازی نیز به‌عنوان امتداد فضای واقعی جاری است.

با پذیرش وجوب این فریضه در فضای مجازی، مراتب آن نیز باید رعایت شود و میزان توانایی افراد و احتمال تأثیرگذاری اقدامات در تعیین مراتب اهمیت دارد. در این میان، فیلترینگ سایت‌های انحرافی، در کنار اقداماتی نظیر هک کردن این سایت‌ها، می‌تواند یکی از مهم‌ترین مصادیق مرحله نهایی امر به معروف و نهی از منکر باشد؛ یعنی مرحله عمل و استفاده از قدرت. این روش می‌تواند دسترسی کاربران به این نوع سایت‌ها را مسدود کرده و نقش مؤثری در جلوگیری از منکرات در فضای مجازی ایفا کند. بنابراین با توجه به وجوب شرعی این فریضه و نقش ابزارهای ساماندهی برای نمونه مسدودسازی و پالایش از طریق فیلترینگ به‌عنوان یکی از مصادیق مهم مرحله سوم آن، وجوب اعمال فیلترینگ در فضای مجازی نیز به اثبات می‌رسد (حسین‌نژاد و منیری حمزه‌کلایی، ۱۳۹۶، ص ۴۵).

فضای سایبری بستر نوینی برای تبادل اطلاعات، تعاملات اجتماعی و ارائه خدمات است. این فضا علاوه بر فرصت‌ها، تهدیداتی نیز به همراه دارد که نیازمند نظارت و ساماندهی است. قاعده امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند مبنای فقهی قوی برای این ساماندهی و نظارت باشد.

ساماندهی فضای سایبر از طریق گسترش معروف در فضای سایبری همه مواردی نظیر وضع قوانین جهت حمایت از محتواهای مفید و جلوگیری از انتشار محتوای مضر، تقویت زیرساخت‌های نظارتی از طریق ایجاد سامانه‌های پیشرفته برای نظارت بر محتوای سایبری، تشویق مشارکت عمومی از طریق ترغیب کاربران به گزارش‌دهی تخلفات و محتواهای نامناسب، ترویج محتواهای آموزشی (ارائه آموزش‌های دینی و اخلاقی به کاربران، توسعه پلتفرم‌ها و سکوها بومی که مطابق با ارزش‌های اسلامی فعالیت می‌کنند) و نیز فرهنگ‌سازی (ایجاد فرهنگ استفاده مسئولانه از فضای سایبری) را دربر می‌گیرد (طباطبایی و کعبی‌نسب، ۱۳۹۷، ص ۹۴).

نظارت بر فضای سایبری در چارچوب قاعده فقهی امر به معروف و نهی از منکر، مستلزم پالایش محتوای غیراخلاقی، وضع قوانین بازدارنده برای مقابله با جرایم سایبری، و ارتقای آگاهی عمومی نسبت به آسیب‌های محتوای مضر است. از منظر فقهی و قانونی، دولت اسلامی مؤثرترین نهاد در اجرای این قاعده محسوب می‌شود؛ چراکه با تکیه بر اقتدار خود، می‌تواند معروف را ترویج داده و منکرات را محدود کند. بر اساس مقدمه و اصول سوم بند ۱ و اصل هشتم قانون اساسی، دولت موظف به رشد فضایل اخلاقی در جامعه مبتنی بر ایمان، تقوا و ارزش‌های اسلامی و نیز مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی است. بنابراین تأمین زمینه‌های لازم برای سعادت دنیوی و اخروی مردم (معروف)، بر عهده دولت قرار گرفته و هر عامل بازدارنده (منکر) در این مسیر، در زمره منکرات تلقی می‌شود که دولت باید با آن مقابله کند.

فضای مجازی که هم‌زمان می‌تواند ابزار هدایت یا گمراهی باشد، باید تحت نظارت دقیق و برنامه‌ریزی‌شده دولت اسلامی سامان یابد. استفاده از ظرفیت‌های ملی در این حوزه، می‌تواند در تقویت باورهای دینی و انسجام

اجتماعی مؤثر باشد. دولت بر اساس این قاعده می‌تواند با مسدودسازی دسترسی به محتوای آسیب‌زا یا ضد دینی، از تضعیف ایمان مردم جلوگیری کند. همچنین با گسترش محتواهای سازنده و اخلاق‌محور، فضای سایبری به بستری برای ارتقای فرهنگی و دینی بدل خواهد شد. بدین ترتیب، قاعده امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان زیربنایی برای سیاست‌گذاری‌های اخلاقی در فضای دیجیتال جمهوری اسلامی ایران ایفای نقش می‌کند.

۵. قاعده حرمت اضلال و ساماندهی فضای سایبر

از جمله قواعد فقهی که می‌تواند در بحث ساماندهی فضای سایبر مورد استفاده قرار گیرد، قاعده حرمت اضلال است که برگرفته از ادله حرمت حفظ کتب ضلال در فقه است. در مورد این قاعده بیان شده که از بدیهیات و ضروریات دین اسلام است و هیچ اختلاف‌نظری در اصل حرمت اضلال وجود ندارد و تنها اختلاف در برخی مصادیق اضلال است (طباطبایی، ۱۴۰۲، ص ۲۶۲-۲۶۳).

مستند نظر فقها در این زمینه، آیات قرآن نظیر: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (لقمان: ۶) و نیز مواردی دیگر از آیات قرآن کریم (یونس: ۸۸؛ انعام: ۱۲۸؛ ابراهیم: ۳۰؛ نحل: ۲۴؛ انعام: ۱۴۴؛ لقمان: ۳۱؛ حج: ۳۰) است، و نیز روایاتی مانند «رَوَى عَنِ الْمَلِكِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنِّي قَدْ ابْتَلَيْتَ بِهَذَا الْعِلْمِ فَأَرِيدُ اللَّهُ الطَّلَعَ وَرَأَيْتَ الطَّلَعَ الشَّرَّ جَلَسْتَ وَلَمْ أَذْهَبْ فِيهَا وَإِذَا رَأَيْتَ الطَّلَعَ الْخَيْرَ فَهَيْبَتْ: «تَقْضَى قُلْتَ نَعَمْ، قَالَ: أَخْرِقْ كُتُبَكَ» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۶۷) و «... إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي حَرَّمَ هِيَ كُلُّهَا الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا الْفَسَادُ مُحْضًا مِنْهُ وَفِيهِ الْفَسَادُ مُحْضًا وَلَا يَكُونُ فِيهِ وَلَا مِنْهُ شَيْءٌ مِنْ وُجُوهِ الصَّلَاحِ فَحَرَامٌ تَعْلِيمُ الْعَمَلِ بِهِ وَأَخْذُ الْأَجْرِ عَلَيْهِ وَجَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ...» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۳۵)، و نیز اجماع (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۵۹) و حکم عقل به برداشته شدن ماده فساد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۳۳) می‌باشد. بنابراین این قاعده از مستندات فقهی قوی و مستحکمی برخوردار است.

جهت تطبیق این قاعده بر ساماندهی فضای سایبر، نکته‌ای که در اینجا توجه به آن لازم است، اولویت حرمت ایجاد محتواهای ضلال‌آور است. توضیح آنکه اگر نگهداری کتب ضلال حرام است، نگارش یا ایجاد این نوع محتوا، از باب اولویت قطعی و مفهوم موافق، به طریق اولی حرام محسوب می‌شود. افزون بر این، نوشتن چنین محتواهایی به دلیل گمراهی ناشی از آن و از باب حرمت اعانه بر اثم نیز مشمول حرمت می‌شود.

همچنین در توضیح تعمیم حرمت نگهداری کتب ضاله و نیز حرمت اضلال می‌توان بیان داشت، مفهوم «کتاب» در این بحث به نوشته‌های سنتی محدود نمی‌شود، بلکه با در نظر گرفتن این نکته که کتاب در هر عصری به‌خودی‌خود ذات رسانه‌ای دارد و به‌عنوان ابزاری برای رساندن کلام و محتوا در نظر گرفته می‌شود، به‌علاوه در عصر جدید ابزار رسانه محدود به برخی کتاب‌ها نیست و رسانه در انواع و ابعاد آن گسترش کمی و

کیفی یافته است (شامل تمامی ابعاد رسانه‌های فضای سایبر، از جمله سایت‌ها، وبلاگ‌ها و شبکه‌های اجتماعی می‌شود)، و هدف شارع مقدس از ممنوعیت کتب ضلال، درحقیقت جلوگیری از انتشار عقاید باطل، گمراه‌کننده و ضلالت‌آمیز در جامعه اسلامی بوده است؛ لذا امروزه باید از این قاعده معنی گسترده‌ای از رسانه‌هایی که به دنبال اضلال جامعه اسلامی هستند را مد نظر قرار داد. از منظر تنقیح مناط و الغای خصوصیت، هر نوع نوشته‌ای که گمراه‌کننده باشد، چه سنتی و چه مجازی، مشمول حکم حرمت است. بر این اساس، سایت‌ها یا محتوای دیجیتال که موجب گمراهی کاربران می‌شوند نیز حکم مشابهی خواهند داشت.

با توجه به مناط حکم که در اغلب اوقات مطالعه کتب ضلال و دسترسی افراد به محتوای آن است، می‌توان گفت که سایت‌های حاوی مطالب گمراه‌کننده نیز، به دلیل بازدید و مطالعه کاربران، حرام بوده و مقابله با آنها واجب است. این حکم حتی به سایر ابزارها و قالب‌های دیجیتالی همچون فیلم، ویدئو، آهنگ، اسلاید و برنامه‌های کامپیوتری در صورتی که موجبات گمراهی و اضلال جامعه را ایجاد نمایند نیز تسری می‌یابد.

سید کاظم طباطبایی در حاشیه‌الکتاب به این نکته اشاره کرده که ادله وجوب از بین بردن محتواهای ضلالت‌آور، منحصر به کتاب نیست و شامل هر چیزی با این ویژگی می‌شود (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸، ص ۲۳) از جمله ابزارهای ساماندهی فضای سایبر، پالایش و مقابله با سایت‌های انحرافی است که مانع دسترسی کاربران به محتوای گمراه‌کننده می‌شود و از باب حرمت حفظ کتب ضلال و وجوب از بین بردن آنها، قابل توجه است. هر چند ماهیت فیلترینگ به معنای از بین بردن سایت نیست و تنها دسترسی را محدود می‌کند، اما با توجه به دشواری و گاه ناممکن بودن حذف کامل سایت‌های انحرافی، می‌توان آن را بر اساس اصل عقلایی تنزل تدریجی پذیرفت. اصل تنزل تدریجی به این معناست که اگر تحقق کامل یک امر مطلوب عقلاً ناممکن باشد، مرتبه پایین‌تری از آن انجام می‌شود. بنابراین به جای حذف کامل سایت‌ها، می‌توان به مسدودسازی و جلوگیری از دسترسی کاربران اکتفا کرد. این اقدام به‌عنوان مرتبه‌ای پایین‌تر از وجوب ائتلاف محتواهای گمراه‌کننده، با اصول فقهی و عقلایی سازگار است (حسین‌نژاد و منبری حمزه کلایی، ۱۳۹۶، ص ۴۰-۴۲).

نتیجه‌گیری

این پژوهش مسیری نوین از حکمرانی سایبری مبتنی بر قواعد فقه شیعه ارائه می‌دهد و با عبور از تحلیل‌های تک بُعدی، رویکردی نوین در مدیریت فضای مجازی ارائه می‌کند. نوآوری بنیادین آن، شناسایی ظرفیت‌های ایجابی قواعدی چون «لاضرر»، «حفظ نظام» و «نفی سبیل» برای طراحی سیاست‌های عملیاتی مانند پالایش هوشمند محتوا، تقویت زیرساخت‌های بومی و تدوین قوانین منسجم است. برخلاف برخی رویکردها که بیشتر ناظر به جنبه‌های نظریه‌پردازانه و سلبی فقه هستند، این مقاله درصدد آن است که فقه شیعه با به‌کارگیری

ایجابی قواعد آن، توانایی خلق «نظام سایبری توحیدمحور» را دارد که هم‌زمان به مقابله با تهدیدات (مانند جنگ نرم) و بهره‌گیری از فرصت‌های فرهنگی می‌پردازد. امتیاز این تحقیق، تلاش در مسیر شکل‌دهی الگویی از «حکمرانی سایبری دینی» است که با حفظ اصالت دینی، اقتضات عصر دیجیتال را پوشش می‌دهد و از طریق سازوکارهایی مانند تقویت استقلال سایبری (نفی سبیل) و مبارزه با اضلال دیجیتال، به بازتعریف اقتدار نرم تمدن شیعی در جهان معاصر کمک می‌کند. این رویکرد، معیاری نوین برای ارزیابی سیاست‌های سایبری دولت است که هم انطباق با ارزش‌های دینی و هم عقلانیت اجرایی را تضمین می‌کند.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه. تصحیح: صبحی صالح.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

ابن ادریس حلی، محمد بن احمد (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين
ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۹۹۴). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.

اسماعیلی، محسن و نصراللهی، محمدصادق (۱۳۹۵). پالایش فضای مجازی؛ حکم و مسائل آن از دیدگاه فقهی. *دین و ارتباطات*،
۴۹، ۵۳-۸۰.

امیریان فارسانی، امین (۱۳۹۹). علت‌شناسی ارتکاب جرایم سایبری و سازوکارهای پیشگیری از آن. *علوم خبری*، ۳۵، ۱۹۳-۲۳۰.
انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۹ق). *فرائد الأصول*. قم: مجمع الفکر الإسلامی.

انصاری، شیخ مرتضی (۱۴۱۵ق). *المکاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق). *کفایة الأصول*. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.

بجنوردی، محمدحسن (۱۴۱۹ق). *قواعد فقهیه*. تحقیق: مهدی مهریزی و محمدحسین درایتی. قم: الهادی.

تهانوی، محمدعلی (۱۹۹۶). *کشاف اصطلاحات الفنون*. بیروت: مکتبه البنان.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). پیام به «همایش علمی فضای مجازی پاک بنیاد بین‌المللی علوم وحیانی اسراء». مدیریت آرشیو
اسناد و منابع، واحد تایپ.

حاجی ملامیرزایی، حامد (۱۳۸۳). *تدوین الگوی خط مشی‌گذاری فضای مجازی کشور ارائه مدل مفهومی و اعتبار بخشی آن*.
رساله دکتری تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری عمومی. دانشگاه تهران. پردیس فارابی.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.

حسین‌نژاد، سیدمجتبی (۱۳۹۸). بررسی فقهی بغی در فضای مجازی. *پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*، ۱۵(۵۵)، ۵۳-۷۴.

حسین‌نژاد، سیدمجتبی و منبری حمزه‌کلایی، حمیدرضا (۱۳۹۶). تحلیل و بررسی فقهی اجرای فیلترینگ در فضای مجازی.
حکومت اسلامی، ۸۴، ۲۷-۵۶.

حسینی، محمد (۱۳۸۵). *فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی*. تهران: سروش.

حلی، محمد بن حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). *مختلف الشیعه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶). سخنرانی‌های رهبر معظم انقلاب. برگرفته از سایت Khamenei.ir.

- خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۸). صحیفه نور. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- خمینی، سیدروح‌الله (۱۴۱۵ق). المکاسب المحرمه. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
- رضایی‌زاده، محمدجواد و کاظمی، داود (۱۳۹۱). بازشناسی نظریه «خدمات عمومی» و اصول حاکم بر آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات حقوق تطبیقی معاصر، ۳(۵)، ۲۳-۴۶.
- سیفی مازندرانی، علی‌اکبر (۱۴۲۵ق). مبانی الفقه الفعال فی القواعد الفقهیه الأساسیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شاه قاسمی، احسان (۱۳۸۵). مروری بر زمینه‌های تأثیر فضای مجازی بر نظریه‌های ارتباطات. مجله جهانی رسانه، ۲، ۱۰۴-۱۲۵.
- شریعی، روح‌الله (۱۳۹۳). فقه سیاسی. قم: پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی.
- شفتی گیلانی، سیدمحمدباقر (۱۴۲۷ق). مقاله فی تحقیق إقامة الحدود فی هذه الأعصار. محقق / مصحح: علی اوسط ناطقی و لطیف فرادی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۴ق). غایه المراد. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۵). حقوق اداری. تهران: سمت.
- طباطبایی، سیدعلیرضا (۱۴۰۲). قواعد فقهی پالایش فضای مجازی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- طباطبایی، سیدعلیرضا و کعبی نسب، عباس (۱۳۹۷). حکمرانی فضای مجازی و قاعده فقهی نفی سبیل با تأکید بر بایسته‌های نظام جمهوری اسلامی ایران. معرفت سیاسی، ۱۰(۲)، ۷۱-۹۴.
- طباطبایی، سیدعلیرضا و لیالی، محمدعلی (۱۳۹۷). قواعد فقهی پالایش فضای مجازی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی. حکومت اسلامی، ۲۳(۱)، ۸۵-۱۱۶.
- طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم (۱۳۷۸). حاشیه المکاسب. تهران: دار المعارف الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۵ق). الاقتصاد. تهران: کتابخانه جامع چهل ستون.
- طیب، سیدعبدالحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: اسلام.
- عاملی، سیدسعیدرضا (۱۳۹۰). رویکرد دوفضایی به آسیب‌ها، جرایم، قوانین و سیاست‌های فضای مجازی. تهران: امیرکبیر.
- عراقی، آقا ضیاء‌الدین علی کزازی (۱۴۱۴ق). شرح تبصرة المتعلمین. قم: جامعه مدرسین.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۹۸). قواعد فقه بخش حقوق عمومی. تهران: سمت.
- عمید، حسن (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۱۶ق). القواعد الفقهیه. قم: چاپخانه مهر.

فرهادی‌نیا، علی (۱۳۹۶). قاعده فقهی حفظ نظام. سایت مدرسه علمیه امام باقر علیه السلام.

کاشف‌الغطاء، شیخ جعفر (بی‌تا). کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء (ط - الحدیثه). بی‌جا: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی.

کعبی نسب، عباس (۱۳۹۲). سلسله نشست‌های فقه حکومتی گروه علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

qabas.iki.ac.ir

کهنوند، محمد (۱۳۹۵). شبکه عنکبوتی. قم: ذکر.

کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث.

محقق داماد، سیدمصطفی (۱۴۰۶ق). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مراغی، میرفتاح (۱۴۱۷ق). العناوین الفقهیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۴). قواعد مهم فقهی. ترجمه محمدجواد نوری. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

ملک افضلی اردکانی، محسن (۱۳۸۹). آثار قاعده حفظ نظام. حکومت اسلامی، ۱۵(۵۸)، ۱۰۹-۱۴۶.

منتظری، حسینعلی (۱۴۰۹ق). دراسات فی ولایة الفقیه. قم: تفکر.

نائینی، محمدحسین (۱۴۱۳ق). مکاسب و البیع (تقریر أبحاث الاستاذ الاعظم المیزان النائینی بقلم العلامة الربانی الشیخ محمدتقی

الاملی الجزء الاول). قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.

نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

ندوی، علی احمد (۱۴۱۹ق). موسوعة القواعد الضوابط الفقهیه. قاهره: دار عالم المعرفة.

سند راهبردی فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران (مصوب جلسه ۸۴ شورای عالی فضای مجازی مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۱).

سند نظام هویت معتبر در فضای مجازی کشور (مصوب جلسه ۵۹ شورای عالی فضای مجازی مورخ ۱۳۹۸/۰۶/۰۹).

سند طرح کلان و معماری شبکه ملی اطلاعات (مصوب جلسه ۶۶ شورای عالی فضای مجازی مورخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۵).

Akdeniz, Yaman. (2002). Anonymity, Democracy, and Cyberspace. *Social Research*, 69(1), 180194-.

Clarke, Richard A. & Knake, Robert K. (2010). *Cyber warfare: The next threat to national security and what to do about it*. HarperCollins.

Kuehl, Daniel T. (2009). From cyberspace to cyberpower: Defining the problem. In Franklin D. Kramer, Stuart H. Starr & Larry K. Wentz (Eds.), *Cyberpower and National Security* (p. 2442-). Potomac Books.

Singer, Peter Warren & Friedman, Allan (2014). *Cybersecurity and cyberwar: What everyone needs to know*. Oxford University Press.

Voorhoof, Dirk (2011). Internet and the Right of Anonymity. *Proceedings of the Conference Regulating the Internet*. Belgrade, 2010, edited by Jelena Surculija, Center for Internet Development, 73163-.